

## دکتر جفری هادون، باستان‌شناسی کتاب مقدس جلسه پنجم، عرصه جغرافیایی، قسمت اول

جفری هادون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر جفری هادون و تدریس او در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس هشتم. این جلسه ۵، عرصه جغرافیایی، بخش ۱ است.

مکان‌ها و رویدادهای باستان‌شناسی که از نظر باستان‌شناسی تأیید شده‌اند، در خلاء اتفاق نمی‌افتند.

برای درک باستان‌شناسی، باید سرزمین و زمینه جغرافیایی آن را درک کنیم. بنابراین، قرار است کمی وقت بگذاریم و به زمینه جغرافیایی باستان‌شناسی، که سرزمین کتاب مقدس است، نگاهی بیندازیم. البته، این یک تصویر زیبا از اورشلیم از کوه زیتون است، یک صحنه یا چشم‌انداز بسیار معمولی در آنجا.

سرزمین کتاب مقدس چیزی است که برای مؤمنان در سراسر جهان نزدیک و عزیز است، اما اگر یهودی باشید، به ویژه اهمیت دارد. و فقط کمی تاریخ مدرن اینجا، امواج مهاجرت یهودیان، اولیمی که در اواخر قرن نوزدهم و بیستم به این سرزمین آمدند و به آنجا مهاجرت کردند، دوباره از اروپا، از خاورمیانه، از آفریقا آمدند. یکی از اولین کارهایی که سابراها، یهودیانی که هنوز در سرزمین مقدس زندگی می‌کردند و در سرزمین مقدس متولد شده بودند، انجام دادند این بود که آنها را به گشت و گذار می‌بردند.

یدیات هآرتص «یا» شناخت سرزمین «نامیده می‌شد. این سفرها بسیار موفق بودند زیرا پیوند بسیار محکمی بین مردم و سرزمین جدیدشان ایجاد می‌کردند، زیرا آنها به معنای واقعی کلمه به خانه بازمی‌گشتند. و بنابراین، حداقل برای اسرائیلی‌ها، یهودیان قبل از تأسیس کشور اسرائیل، و اکنون برای اسرائیلی‌ها، ارتباط با سرزمین بسیار بسیار مهم است.

و در اینجا برخی از آن مطالبی را که آژانس یهود و بعداً دولت اسرائیل برای معرفی مهاجران اخیر به این سرزمین استفاده کردند، مشاهده می‌کنید. حال، برخی از محققان و معلمان وجود داشتند که نه تنها در کمک به یهودیان و مهاجران، بلکه در سطح دانشگاهی، در مطالعه این سرزمین نقش مهمی داشتند. و فقط برای اشاره به چند نفر از این افراد در سمت راست بالا، مایکل آویونا است که تحصیل کرده و در واقع دکترای خود را در انگلستان گرفته بود، اما محقق فوق‌العاده‌ای در دوره کلاسیک، دوره یونانی-رومی، دوره بیزانس و همچنین یک جغرافیدان تاریخی بود.

او کتابی نوشت، ابتدا به زبان عبری و سپس به انگلیسی، به نام «سرزمین مقدس». این کتاب اساساً جغرافیای تاریخی از دوره پارسیان تا ظهور اسلام است. آقای دیگر در سمت راست پایین، بنجامین مازار است.

او یک محقق عهد عتیق بود که در دهه ۱۹۲۰ به اسرائیل مهاجرت کرد و سرانجام به ریاست دانشگاه عبری رسید. اما او یک محقق، باستان‌شناس و جغرافیدان تاریخی فوق‌العاده بود. و این اثر عبری او در مورد تاریخ تحقیقات باستان‌شناسی در سرزمین اسرائیل است.

شاگردان آنها، شاگردان مازار و آویونا، دوباره، در مطالعه‌ی زمین، اولین و مهمترین شدند. و باز هم، این مطالعه‌ی جغرافیای تاریخی نامیده می‌شود، زیرا وقتی سعی می‌کنید تاریخ و باستان‌شناسی و مکان‌ها و ویرانه‌های باستانی را درک کنید، از رشته‌های مختلفی استفاده می‌کنید، باید آنها را در چارچوب خود قرار دهید. و این مردان می‌دانستند که چگونه این کار را خیلی خیلی خوب انجام دهند.

آن کسی که چندین عکس از او دارد، یوحنا آهارونی است که دانشجوی مزار بود و کتاب درسی «سرزمین کتاب مقدس» را که هنوز هم محبوب است، نوشت، که اساساً یک جلد همراه با کتاب آیونا بود که فقط برای دوره‌های قبلی، دوره‌های عهد عتیق، نوشته شده بود. شاگرد او در آنجا آنسون اف. ریخی بود. او در واقع استاد راهنمای من بود وقتی که در اسرائیل دانشجوی بودم.

او، باز هم، یک محقق عالی کتاب مقدس، باستان‌شناس و جغرافیدان تاریخی، و یک زبان‌شناس فوق‌العاده بود. و برای هر کسی که علاقه‌مند باشد، من هیچ پولی برای این کار دریافت نمی‌کنم. اما این دو اطلس عالی هستند که واقعاً پیشرفته هستند.

پل مقدس و اطلس قدیمی‌تر کتاب مقدس کارتا، که باز هم اثر آهارونی و ریخی است، بسیار بسیار مورد استقبال قرار گرفته و به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند. بسیار خوب. بسیاری از شما اصطلاح هلال حاصلخیز را شنیده‌اید.

این اصطلاح توسط جیمز بریستد، بنیانگذار موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، ابداع شد. و هلال حاصلخیز ایده‌ای از یک نوار زمین قابل کشت بود که می‌توانستید در آن کشاورزی کنید. شما می‌توانستید در آن بسیار راحت زندگی کنید، که از خلیج فارس تا دره دجله و فرات، و همچنین سرزمین بین‌النهرین بین رودخانه‌ها، تا کوه‌های توروس یا کوه‌های زاگرس، و سپس به سمت پایین به جایی که ما کنعان یا شام جنوبی می‌نامیم، و در نهایت به دره نیل نیز امتداد داشت.

این نوار هلالی شکل، هلال حاصلخیز نامیده می‌شد. این منطقه، کم و بیش، مهد تمدن در خاور نزدیک باستان بود و درک این نکته بسیار مهم است.

و شما اینجا تصویر دیگری از آن هلال حاصلخیز و امپراتوری‌های مهمی که در آن سرزمین ساکن بودند را می‌بینید. البته، امپراتوری‌های بین‌النهرین را هم دارید که در یک سخنرانی دیگر بیشتر در مورد آنها صحبت خواهیم کرد، و سپس مصر را نیز. و درست در میان آنها، شام قرار دارد.

اشاره به این نکته مهم است زیرا این یک پل زمینی است، سرزمینی بسیار باریک که مصر و بین‌النهرین و آسیای صغیر و فراتر از آن را به هم متصل می‌کند. و بنابراین، آن را به عنوان یک بزرگراه در نظر می‌گیرد. و باز هم، کتاب آنسون ریخی، «پل مقدس»، این نکته را نشان می‌دهد.

کتاب جیم مانسون، «سرزمین بین»، روش دیگری برای توضیح این موضوع است. این یک راهرو برای دسترسی از این مکان‌های مختلف است. بنابراین، اگر جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیکی برای گسترش نفوذ خود دارید، بسیار بسیار استراتژیک و حیاتی و مهم است.

بنابراین، در نتیجه، از زمان‌های بسیار قدیم بر سر آن جنگیده شده و هنوز هم هست. و بنابراین، شما این شاخص‌ها را دارید زیرا معابد و بقایای زیبا، بقایای معماری در مصر و بقایای عظیم در بین‌النهرین را دارید وقتی آنها را کاوش کنید. اما در سرزمین بین، یا پل مقدس، این راهروی باریک، شام جنوبی، این بقایای گسترده را در چنین وضعیت بزرگی ندارید، به دلیل حرکت مداوم امپراتوری‌ها و ارتش‌ها از طریق این راهرو، و با آنها ویرانی و، و، و خشونت به همراه می‌آید.

بنابراین، اینجا یک مکان بسیار، باز هم، بسیار استراتژیک است. سرزمینی است که از زمان‌های بسیار قدیم بر سر آن جنگیده‌اند. و امیدوارم بتوانید دلایلش را بفهمید، چون همه چیز بر عبور از اینجا متمرکز است.

شما نمی‌توانید به شرق بروید؛ آنجا بیابان است، و دوباره، دریای مدیترانه شما را از غرب مسدود می‌کند. و بنابراین یک مکان استراتژیک بسیار مهم است. بسیار خوب، دوباره، یک نقشه سیاسی مدرن از شام جنوبی، یا اسرائیل و فلسطین، اردن و سینا، و سپس یک نقشه فیزیکی تر

ما این مناطق سرزمین مقدس را در بخش‌ها یا قطعات مختلف بررسی خواهیم کرد و تاریخچه آنها و برخی از مکان‌های مهم اینجا را شرح خواهیم داد. باز هم، با آمدن از غرب، شما با انواع زمین‌ها و آب و هوا در سرزمین مقدس روبرو هستید. همه فکر می‌کنند سرزمین مقدس یک بیابان خشک و بایر است

و اینطور نیست. بخشی از آن هست، اما بخش زیادی از آن اینطور نیست. اگر از غرب بیابید، اول به دشت شارون یا دشت فلسطین می‌رسید

و سپس به جایی می‌رسید که شغله یا زمین‌های پست نامیده می‌شود، زمین‌های پست. و باز هم، این از منظر منطقه تپه‌ای بالای آن است. در واقع کوهپایه‌هایی با دره‌ها هستند

و این منطقه مرزی برای بیشتر عهد عتیق است. اگر به سمت شرق بروید، به منطقه کوهستانی، که در زبان عبری «حریم» نامیده می‌شود، می‌رسید. و آن منطقه کوهستانی شامل یهودا، افرایم، منسی و غیره است، تا دره جزریل

و بعد از آن، سایه باران را دارید که اینجا یک بیابان یهودیه است. و در شمال آن، کم و بیش، فقط یک پرتگاه به سمت دره اردن وجود دارد. بنابراین، در شمال، کوه کرمل را دارید که در واقع یک خط الراس است که از شمال غربی به نقطه‌ای بر فراز مدیترانه اشاره دارد

مصریان اولیه آن را بینی بز کوهی می‌نامیدند. سپس دره معروف جزریل، آرماگدون کتاب مقدس را داریم که در واقع مانند یک بزرگراه بین ایالتی از دشت عکو تا دره ریفت یا دره اردن است. و این تنها راه برای رسیدن آسان از ساحل به دره اردن است

به غیر از این، باید از کوه‌ها عبور کنید. باز هم، این منطقه بسیار بسیار استراتژیک است و چیزی است که همه آرزویش را دارند. در شمال آن، جلیله سفلی و جلیله علیا قرار دارند

چند دقیقه دیگر این موضوع را باز خواهیم کرد. جلیل سفلی، باز هم، مجموعه‌ای از دره‌های شرقی-غربی است. جلیل علیا منطقه‌ای کوهستانی و پرتگاهی است که به سمت شمال به رودخانه لاطانی، که دوباره در لبنان امروزی قرار دارد، شیب دارد

حالا، به سمت شرق، ادامه می‌دهیم و چیزی را داریم که دره ریفت نامیده می‌شود. آن دره ریفت از کوه‌های مخالف لبنان شروع می‌شود و از طریق دریاچه هولاء، دریای جلیل، رودخانه اردن، دریای مرده و عروه تا خلیج عقبه یا ایلات ادامه می‌یابد و سپس به آفریقا می‌رود، جایی که ادامه می‌یابد. و این یک شیب بسیار بسیار بزرگ است

مثل یک فرورفتگی عظیم است. باز هم، سطح دریای مرده پایین‌ترین نقطه روی زمین از سطح آب است. حالا، این محل تلاقی دو صفحه است، صفحه آفریقا و صفحه آسیا

این صفحات، دوباره، تغییر مکان می‌دهند و به سمت شمال و جنوب حرکت می‌کنند و این باعث ایجاد فعالیت‌های لرزه‌ای می‌شود. بنابراین، تاریخچه‌ی عظیمی از فعالیت‌های لرزه‌ای در سرزمین مقدس وجود دارد

آخرین زلزله‌ی بزرگ در سال ۱۹۲۷، به گمانم، ۱۹۲۷ یا ۱۹۲۹ رخ داد و خسارات عظیمی به خانه‌ها و املاک وارد کرد.

و در طول این فعالیت، به خصوص در دوران باستان، گزارش‌های زیادی از زلزله‌های عظیم وجود داشته است. البته مشهورترین آنها در عاموس ۱:۱ است، جایی که عاموس پیشگویی خود را با زمان وقوع آن، که پس از زلزله ذکر می‌کند، آغاز می‌کند. و این زلزله در زمان سلطنت عزیا بود که خسارات زیادی به بار آورد، احتمالاً حدود ۷۶۰، ۷۵۰ پیش از میلاد.

یکی دیگر در سال ۳۱ پیش از میلاد رخ داد و ما شاهد آسیب‌های ناشی از آن در بسیاری از مکان‌ها، از جمله خیریت قمران، سکونتگاهی که اسنی‌ها در آن زندگی می‌کردند و طومارهای دریای مرده را کپی می‌کردند، بودیم در اینجا، دوباره، تجزیه و تحلیل آن زیرمناطق را مشاهده می‌کنید. اکنون در اینجا، اگر به سمت شرق ادامه دهید، به یک فلات می‌رسید.

در جنوب اردن یا مرکز اردن، ساحل هامي کتاب مقدس، زمین مسطح، را دارید که حدود ۲۵۰۰ فوت است و تقریباً با قله‌های تپه‌ها و کوه‌ها موازی است. و سپس گیلعاد پایین و بالا را دارید که کوهستانی است، و سپس باشان، که امروزه ارتفاعات جولان نامیده می‌شود. باز هم، منطقه‌ای بسیار آتشفشانی، بسیار ناهموار، اما همچنین حاصلخیز، اگر بتوانید، اگر بتوانید در آن کشاورزی کنید.

در جنوب، رودخانه ارنون کتاب مقدس، وادی مجیب، و فلات کاراک را دارید که دوباره فلات دبون و کاراک نامیده می‌شود و رودخانه ارنون را در بر می‌گیرد. و سپس به سمت جنوب به ادوم کتاب مقدس، که کوه‌های ماسه‌سنگی نوبیایی مرتفع و کوهستانی است که باز هم بسیار خشک هستند، اما قله‌های کوه‌ها تا حدود ۳۵۰۰ فوت ارتفاع دارند و امکان کشاورزی را فراهم می‌کنند. و بنابراین، ادومی‌های اولیه از آن استفاده ۳۵۰۰ می‌کردند، و ما در ادامه به آن نیز خواهیم پرداخت.

این یک نقشه برجسته است که آن دره شکافی بسیار عمیق را که از اینجا می‌گذرد و سپس جوردان، در غرب اردن، را از ماورای اردن جدا می‌کند، نشان می‌دهد. عکس‌های خوبی برای کمک به ما وجود دارد. باشه.

دوباره، تفاوت بین دو صفحه، صفحه آفریقا، و صفحه آسیا، ببخشید، صفحه عربستان یا صفحه تونس. و دوباره، مقاطع عرضی زمین و تفاوت‌های ارتفاع و توپوگرافی آنجا. بسیار خوب.

سرزمین اسرائیل نام‌ها و مرزهای مختلفی داشت. سرزمین کنعان در کتاب مقدس مرزی داشت که ظاهراً شامل ماوراء اردن نمی‌شد، بلکه ارتفاعات جولان، باشان کتاب مقدس، تا سوریه را نیز شامل می‌شد. و این یکی از تعاریف سرزمین کنعان در کتاب مقدس بود.

و اینجا ما چند سفر داریم که در آن ۱۲ جاسوس به آنجا می‌روند و سرزمین را بررسی می‌کنند. خوب. در دوره سلطنت یهود در عهد عتیق، در اوج خود، اسرائیل منطقه بسیار وسیعی را در بر می‌گرفت، تا سوریه، حتی تا رودخانه فرات.

داوود و سلیمان با این پادشاهی‌ها معاهدات و توافق‌نامه‌هایی داشتند که سرزمین را به شدت گسترش داد. و سپس، بعدها، در دوران سلطنت تقسیم‌شده، این وسعت کاهش یافت، به‌ویژه با گسترش امپراتوری سوریه. سرزمین اسرائیل یا سرزمین کتاب مقدس در دوران باستان دارای شبکه جاده‌ای گسترده‌ای است.

جاده‌هایی که باید بیشتر در ماوراء اردن به آنها اشاره کنیم، بزرگراه پادشاه است که به نام چهار پادشاهی که در پیدایش ۱۴ به شهرهای دشت حمله کردند، نامگذاری شده است. اما این جاده دوباره به دنبال آن به مناطق

مرتفع و در موآب، ادوم و سپس قلمرو عمونیان و فراتر از آن می‌رسد. در شرق آن، که در اینجا نشان داده نشده است، چیزی است که ما آن را راه بیابان یا بزرگراه بیابان می‌نامیم.

این مسیر بنی اسرائیل با موسی بود. آنها می‌خواستند از بزرگراه پادشاه بروند، جایی که آب و غلات زیادی برای سیر کردن آنها وجود داشت، اما به آنها اجازه این کار داده نشد. بنابراین، آنها مجبور شدند به بزرگراه بیابانی بروند که عبور از آن آسان‌تر است، اما خشک است و آب در مسیر بیابانی کمیاب است.

اما به هر حال، این دو مسیر شمال-جنوب آنجا هستند. چندین مسیر شرقی-غربی وجود دارد، اما مهمترین مسیر شمال-جنوب در چسردن، راه پاتریارخ‌ها یا مسیر پاتریارخ‌ها نام دارد. و این از بشرشع تا دوتان امتداد دارد و سپس از آنجا ادامه می‌یابد.

و این مسیر در امتداد ستون فقرات تپه ماهور قرار دارد. و اگر سعی کنید به غرب و شرق آن بروید و سعی کنید به شمال و جنوب بروید، بسیار دشوار است زیرا فقط در وادیس بالا و پایین می‌روید و از آن خارج می‌شوید. اما این یکی از معدود مسیرهای شمال به جنوب در سپس‌جوردان را فراهم می‌کند.

مسیر اصلی، باز هم، مسیر ساحلی است که اغلب به آن راه دریا یا از طریق ماریس در لاتین می‌گویند، اما این مسیر از شمال سینا عبور می‌کند و درست در ساحل یا نزدیک به ساحل، از آن جدا می‌شود و به دریای جلیل و به سمت دمشق می‌رود. بنابراین، این شبکه‌های جاده‌ای اصلی و زیرشبکه‌هایی هستند که در آن‌ها جاده‌های کوچک‌تری در جهات مختلف وجود دارند. نمای ماهواره‌ای از جلیل

شما می‌توانید دشت‌های عکا و همچنین شهرهای مدرن حیفا و عکا را در اینجا ببینید. روش هانیکرا، که نردبان صور در اینجا است. و دوباره، دریای جلیل

نمی‌توانید خیلی خوب تشخیص دهید، اما می‌توانید برخی از این دره‌ها و کوه‌های شرقی-غربی را ببینید که به سمت شرق و به سمت دریای جلیل می‌روند. حالا، ما در مورد این صحبت خواهیم کرد یا اسلایدهای بیشتری در این مورد خواهیم دید، اما باد از مدیترانه می‌آید و از میان این دره‌ها می‌وزید، نوعی تونل باد ایجاد می‌کند، از دریای جلیل عبور می‌کند و به پرتگاه آنجا در ارتفاعات جولان برخورد می‌کند و آشفستگی زیادی ایجاد می‌کند. یا می‌توانیم آن را به عنوان طوفان یا آب بسیار خشن و متلاطم در دریای جلیل درک کنیم که دریاچه را به هم می‌ریزد.

و البته این توضیحی است که در انجیل‌ها در مورد طوفان‌هایی که شاگردان هنگام ماهیگیری مجبور به تحمل آن بودند، آمده است. این اتفاق به دلیل بادهایی رخ می‌دهد که از دریای مدیترانه از میان آن دره‌ها می‌آمدند. خوب، منطقه جلیل دوباره همان دشت عکو است.

ما اینجا از کوه کرمل عکس می‌گیریم، از شمال به عکا و سپس مرز، مرز سیاسی مدرن بین اسرائیل و لبنان. این، اساساً تصویری از این مکان در اینجا است که به ما درکی از چگونگی آن می‌دهد. و دوباره، نردبان صور، مرزهای اینجا در این نقطه، و این مدیترانه را در اینجا، در شمال عکا نشان می‌دهد.

اکنون، در پشت خط ساحلی، منطقه‌ای کوهپایه‌ای به نام شفلای اسرائیل یا شفلای جلیل وجود دارد. این منطقه در دوران سلطنت، منطقه‌ای مرزی بود. ما دو متن معروف داریم، اول پادشاهان ۹ و دوم تواریخ ۸، که در آنها سلیمان با حیرام، پادشاه صور، توافق می‌کند.

و هیرام، پادشاه صور، برای سلیمان تخصص، معماری و چوب سرو برای ساخت کاخ‌ها و معبدش فراهم می‌کرد. و سلیمان مجبور بود به او پول بدهد، بنابراین زمینی به نام کابال را واگذار کرد. و این همیشه یک معما برای مفسران کتاب مقدس بوده است.

دقیقاً به چه معناست؟ می‌تواند به معنای چیزی شبیه به زمین بی‌ارزش یا هر چیز دیگری باشد. و سرزمین کابال، هیرام از آنچه دریافت کرد راضی نبود. اما در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، زوی گال، باستان‌شناس اسرائیلی، مکانی به نام هوروات روش زایت، رأس زیتون، بالای زیتون را کاوش کرد.

و او معتقد است که کابال کتاب مقدس را کشف کرده است. و این قلعه‌ای از زمان سلیمان بوده است. سوال این است که آیا فنیقی بوده است؟ آیا از هیرام بوده یا از سلیمان؟ اما یک مکان بسیار مهم، مکانی متعلق به قرن دهم در جلیله در این منطقه مرزی بین اسرائیل و فنیقیه.

این نمایی از حیفا است که اغلب سانفرانسیسکو اسرائیل مدرن در نظر گرفته می‌شود. و باز هم، در دوران باستان، در جایی که حیفا امروز قرار دارد، واقعاً فعالیت زیادی وجود نداشت. شهرها بیشتر در دره‌ها و اطراف کوه کرمل بودند، نه لزوماً روی آن.

قبلاً در مورد عکو صحبت کردیم. باز هم، این شهر رو به جنوب و به سمت کوه کرمل است. و عکو، باز هم، یک شهر فنیقی و تاریخی بسیار مهم است.

چیزی که اینجا می‌بینیم بقایای جنگ‌های صلیبی است. اینجا یک قلعه و شهر مربوط به جنگ‌های صلیبی وجود داشته است. آخرین قلعه‌هایی که پس از فروپاشی پادشاهی‌های صلیبی سقوط کردند.

و ناپلئون در واقع اینجا علیه ارتش عثمانی جنگید. و تپه‌ای در شرق به نام تپه ناپلئون وجود دارد که توپخانه او در آنجا قرار داشت. و این در واقع روایتی باستانی از آکو باستان نیز هست.

در اینجا چند عکس از جلیل علیا آورده شده است. و می‌توانید نوعی از این پرتگاه شیب‌دار را ببینید. سپس، به سمت پایین شیب پیدا می‌کند، و بالای پرتگاه کمی به سمت شمال شیب پیدا می‌کند. سپس، به رودخانه لطانی در لبنان می‌ریزد.

حالا، اینجا هنوز، تا به امروز، خیلی پرجمعیت نیست، جمعیت زیادی ندارد. اما در دهه ۱۹۵۰، یوحنا آهارونی، اولین جغرافیدان اسرائیلی ما، یک بررسی باستان‌شناسی انجام داد، که یکی از اولین بررسی‌ها در این منطقه بود، و روستاهای اولیه دوره آهن ۱ را پیدا کرد. و او، دوباره، آنها را به عنوان روستاهای اولیه سکونتگاه‌های اسرائیلی در جلیل شناسایی کرد و آن را به زبان عبری منتشر کرد.

او پایان‌نامه خود را در اواخر دهه ۱۹۵۰ منتشر کرد. بنابراین، او کارهای پیشگامانه‌ای در اینجا انجام داد و دیگران از او پیروی کردند و مکان‌های بیشتری از این دست را یافتند. این یکی از شهرهای جلیل علیا، کدش است که کاوش شده است.

و این، باز هم، عصر آهن است، اما همچنین دوره پارسی و دوران هلنیستی. بارام دومین معبد و مکانی متأخر در جلیل علیا است. و این یکی از دو کنیسه‌ای است که در دوران باستان در بارام وجود داشته است.

نمای آن کنیسه بازسازی شده و هنوز پابرجاست. قلعه مونتفورت، یکی از قلعه‌های صلیبی در سرزمین مقدس، البته ویرانه‌هایی از آن باقی مانده، بسیار نزدیک به مرز لبنان و پوشیده از گیاه. جلیل سفلی، باز هم، این دره‌ها و تپه‌ها را دارید.

بنابراین، برای کشت و زرع و سکونت بسیار مساعدتر است و در طول تاریخ به شدت مسکونی بوده است. تصویر خوبی از یکی از دره‌ها و سپس یکی از شهرهای مدرن آنجا و برخی از کشاورزی‌های در حال انجام است. یودفات یا جوتا پاتا شهری است که در جنگ‌های یهودیان توسط یوسفوس ذکر شده است.

او در واقع یکی از رهبران اینجا بود. باور کنید یا نه، اینجا زمانی شهری عظیم، شهری محصور در دیوار، و امروز، تپه‌ای بایر و ویرانه است. و آن هم حفاری شده است.

اما یک مکان تاریخی مهم در طول شورش یهودیان علیه روم در سال‌های ۶۶ تا ۷۰ میلادی. یکی دیگر از شهرهای مهم در جلیل، صفوریه یا به زبان عبری صفورا نام داشت. این شهری بود که در زمان مسیح در حال شکوفایی بود و تنها چند مایل با ناصره فاصله داشت.

ناصره در آن زمان چیزی شبیه به یک جامعه‌ی خوابگاهی در مقایسه با صفوریه بود. از قضا، این شهر زیبا و باشکوه یونانی-رومی در انجیل‌ها ذکر نشده است، و به گمان من، از طریقه که پایتخت جلیل در زمان آنتیپاس بود نیز نامی برده نشده است. بنابراین، باز هم، انجیل‌ها بسیار متمرکز بودند.

و آیا عیسی به اینجا، صفوریه، آمده است؟ حتماً آمده است. اما در انجیل‌ها به آن اشاره نشده است. با این حال، صفوریه شهری فوق‌العاده است.

برخی از محققان معتقدند که هم یوسف و هم عیسی در اینجا به عنوان سنگ‌تراش و کارگر کار می‌کردند و این شهر زیبا را می‌ساختند. ما به سادگی نمی‌دانیم، اما فقط می‌توانیم حدس بزنیم. امروزه، صفوریه یک ناصره ویران شده است.

البته، به دلیل ارتباطش با عیسی مسیح، شهر بزرگی است. این یک بازسازی مدرن از روستای ناصره در زمان مسیح است. و آنها کار بسیار خوبی در بازسازی یک کنیسه و برخی از خانه‌ها درست در وسط شهر مدرن انجام داده‌اند.

از ناصره، می‌توانید به سمت جنوب به دره جزریل نگاه کنید. منظره زیبایی اینجا وجود دارد. و کوه زیبا و خوش‌فرم آنجا، کوه تابور است که البته در داوران ۵ معروف است، جایی که دبورا و باراک، سیسرا و ائتلاف کنعانی را شکست می‌دهند.

این مکان همچنین نزدیک به مکانی است که جمعیت ناصره، کنیسه، به دلیل سخنان عیسی در کنیسه می‌خواستند او را از صخره به پایین پرتاب کنند. این شهر مدرن قانا است، لزوماً جایی که معجزه اتفاق افتاده نیست، اما این تصویری از آن است. خرابه‌ای وجود دارد که اکثر محققان معتقدند محل واقعی قانا است.

سفات احتمالاً شهری است که در کتاب مقدس بر فراز تپه‌ای ذکر شده است. باز هم، یکی از این شهرها در جلیل سفلی بر فراز تپه‌ای، بر فراز تپه‌ای. شهری زیبا، شهری صنعتگر و مرکز عرفان یهودی کابالیستی.

و ما اینجا فقط بخش‌هایی از مناطق جغرافیایی مختلف، از جمله دره بزرگ ریفت، را داریم. دریای جلیل، یوم کینرت، به شکل چنگ است. دریای جلیل، از زمان‌های بسیار قدیم، منبع آب، آبیاری مزارع اطراف و به خاطر شیلاتش شناخته شده بوده است.

بنابراین، شما در طول دوران باستان تمدن بسیار غنی‌ای در سواحل آن دارید. و البته، ما آن را بیشتر از طریق روایت‌های انجیل دربارۀ عیسی و شاگردان و شهرهای آنها، مجدله، کفرناحوم و بیت‌صیدا می‌شناسیم. حال، دریای جلیل آب شیرین دارد؛ آب شیرین است، اما همچنین پایین‌تر از سطح دریا قرار دارد.

در آن دره شکافی قرار دارد، و کمی در شمال دریای جلیل، شکاف به زیر سطح دریا می‌رود، و سپس به پایین رفتن تا دریای مرده ادامه می‌دهد، که باز هم، پایین‌ترین نقطه روی زمین، نقطه خشک روی زمین، و بدون هیچ خروجی است. بنابراین، دریای مرده بسیار شور است. چند عکس دیگر از دریای جلیل و اطراف آن.

در شمال دریای جلیل، دریاچه‌ای به نام دریاچه هولاً یا حوضه هولاً وجود دارد و این یک عکس قدیمی عالی از دریاچه هولاً است. مشکل این دریاچه این است که بسیار باتلاقی بود و اساساً آزمایشگاهی ایده‌آل برای پشه‌ها و مالاریا بود. بنابراین، وقتی یهودیان مهاجرت خود را به فلسطین آغاز کردند، این زمین را با قیمت بسیار ارزان از مالکان غایب خریداری کردند و با هزینه و رنج فراوان این باتلاق را خشکاندند، اما باتلاق را خشکاندند و آن را به منطقه‌ای حاصلخیز برای کشاورزی تبدیل کردند.

و بخشی از آن هنوز هم به عنوان نوعی پارک ملی برای پرندگان مهاجر و غیره باقی مانده است. بنابراین، بخشی از آن هنوز باقی مانده است، اما بیشتر آن زهکشی شده و امروزه کشاورزی می‌شود. تصویر فوق‌العاده‌ای از دریای جلیل از کوه بیتوته، کلیسای ایتالیایی آنجا، که مشرف به ارتفاعات جولان است.

دوباره می‌توانید آن پرتگاه را ببینید که باد از غرب می‌آید و به آن برخورد می‌کند و سپس در اطراف دریاچه، می‌چرخد و باعث طوفان می‌شود. و دوباره، نماهای دیگری از دریاچه. این را تا یک دقیقه دیگر خواهیم دید، اما در اینجا نمای خوبی از برخی از مکان‌های تاریخی وجود دارد.

خب، از اینجا شروع می‌کنیم، با شاخ‌های حطین، کارنی حطین. اینجا جایی است که ارتش صلیبیون، پادشاهی لاتین اورشلیم، در سال ۱۱۸۷، در واقع چهارم جولای ۱۱۸۷، در این نبرد حماسی، قاطعانه از صلاح‌الدین ایوبی شکست خورد. صلیبیون آب کافی با خود نیاورده بودند و از تشنگی در حال مرگ بودند.

آنها می‌توانستند دریای جلیل را ببینند، اما ارتش مسلمانان راهشان را مسدود کرد. این کوه آرل است که به نوعی صخره جبل الطارق اسرائیل است. و مناظر باورنکردنی از بالا، یکی از مکان‌های مورد علاقه من برای دیدن تمام سرزمین اسرائیل است.

پایین آن دشت جنیسار قرار دارد که بخشی از آن بزرگراه بین‌المللی یا ویا ماریس است که از ساحل از آنجا عبور می‌کند و سپس به دمشق می‌رسد. بنابراین تاریخ زیادی در این دو مکان وجود دارد. قله کوه آرل هم آنجاست.

به این منظره نگاه کنید و می‌توانید کل دوران رسالت عیسی مسیح در جلیل را از این مکان ببینید و در مورد آن بحث کنید و به مکان‌هایی که عیسی از آنها بازدید کرده اشاره کنید. مجدلیه، کفرناحوم، بیت‌صیدا و غیره. برخی از مکان‌های مهم باستان‌شناسی در جلیل عبارتند از دان و حاصور.

در حاصور است که دارای یک اتاق دروازه، یک دروازه شش‌اتاقه A این مکان مرتفع در دان و منطقه مربوط به زمان سلیمان است. کوه حرمون بلندترین نقطه در اسرائیل است و بیشتر اوقات پوشیده از برف است. افسانه‌ها می‌گویند، و من معتقدم که یوسفوس به این اشاره می‌کند، که هیروودیس کبیر از مهمانان در معبد پذیرایی می‌کرد، و او گروه‌ها یا کارگرانی را به بالای کوه حرمون می‌فرستاد، بلوک‌های بزرگی از یخ و برف را می‌تراشید و آنها را در واگن‌ها می‌گذاشت و تا اورشلیم حمل می‌کرد تا در حالی که او از مهمانان پذیرایی می‌کرد، آنها می‌توانستند در لیموناد یا چای سرد خود یخ داشته باشند.

و این راه سختی برای به دست آوردن یک تکه یخ است، اما این کاری بود که آنها مجبور بودند انجام دهند. دوباره منظره‌ای عالی از دره جزریل. دوباره، کوه تابور، تپه موره

من معتقدم که این در مسیر دره هیروود و کوه جلبوع است. بنابراین، دوباره، منظره‌ای باورنکردنی از تاریخ کتاب مقدس از این دیدگاه. و دوباره، دره عکو را دارید که از ساحل، دشت عکو، از طریق این تنگه باریک در اینجا، و سپس دره جزریل، که دوباره در تاریخ شناخته شده است، می‌آید.

و ضمناً، فکر می‌کنم آخرین حمله سواره‌نظام در جنگ جهانی اول، نبرد سواره‌نظام در دره جزریل بین عثمانی‌ها و نیروی اعزامی ارتش بریتانیا بود. این دره هیروود و سپس به سمت بیت شان و ریفت یا دره اردن است. این یک عکس اولیه از کوه تابور است که رنگی شده است.

کوه تابور متعلق به کنعانیان بود، برای کنعانیان مقدس. این کوه به شکل سینه یک زن است، به زیبایی متقارن، و به عنوان مکانی برای عبادت و نوعی باروری در نظر گرفته می‌شد. و یک معبد رومی در بالای آن وجود دارد، احتمالاً یکی از مکان‌های تجلی در انجیل‌ها.

دیگران می‌گویند کوه هرمون بوده است. ما این را با اطمینان نمی‌دانیم. اما حتی در دوران مدرن، زوج‌های اسرائیلی به آنجا می‌رفتند و همدیگر را می‌بوسیدند و از این کارها نمی‌کردند، زیرا اینجا، حتی در دوران مدرن، به نوعی محل ایده باروری بود.

و آن کوه تابور است. و از همه مهم‌تر، جایی بود که بنی‌اسرائیل از آنجا پایین آمدند. قبایل بنی‌اسرائیل در بالای آن کوه متحد شدند و به رهبری دبورا و باراک، از آنجا پایین آمدند و کنعانی‌ها را شکست دادند، کسانی که اراابه‌هایشان در رودخانه قیشون گیر کرد و نتوانستند مانور دهند.

کوه کرمل، باز هم، کوهی مانند تابور نیست. کوه کرمل در واقع یک تپه است، و انتهای تپه، باز هم همانطور که در سمت راست تصویر می‌بینید، این یک صفحه از عکو است که به کوه کرمل نگاه می‌کند. تصاویر دیگری از کوه کرمل و البته مجسمه ای از الیاس نیز وجود دارد.

به سمت شرق، به دره هارود، و سپس این شکاف اینجا است، دره اردن، کوه جلبوع را اینجا دارید، جایی که شائول و پسرانش کشته شدند، و تل جزریل، که یک غم‌زده بود، در واقع یک پست نظامی یا قلعه و کاخ که حدود 30 سال پیش کاوش شد، و کاوش‌های جدید در آنجا ادامه دارد. بنابراین، دوباره، یک نقطه دیدنی مهم در اینجا وجود دارد زیرا شما تاریخ کتاب مقدس زیادی در اینجا دارید. چشمه جزریل، تاکستان نابوت، جایی در این منطقه اینجا بود.

آنها خمره‌های شراب پیدا کردند، خمره‌های شراب بسیار بزرگی، بنابراین احتمالاً اینجا سرزمین نابوت بود که، اخاب می‌خواست. اخاب و ایزابل، کاخ آنها، اینجا بودند. عین هارود، که تصاویر بیشتری از آن خواهیم دید، جایی بود که جدعون ارتش خود را برای جنگ با مدیانیان انتخاب کرد.

سپس کوه جلبوع، دوباره، محل مرگ شائول و پسرانش است که در جنگ با فلسطینیان کشته شدند. چند نمای نزدیک از حفاری‌های یزرعیل. نمای نزدیکی از چشمه هارود.

شما می‌توانید امروز بروید، همانطور که این سربازان اسرائیلی انجام می‌دهند، و نحوه انتخاب افراد توسط جدعون را بازسازی کنید. بنابراین، می‌بینیم که زمینه جغرافیایی، دوباره، نوعی قاب، یک قاب تصویری، به

باستان‌شناسی می‌دهد، به این صورت که ما محیط، زمینه منطقه‌ای این مکان‌ها و رویدادها را درک می‌کنیم. نمای عالی از کوه جلبوع، همانطور که امروز به نظر می‌رسد.

خب، و دره هارود به آنجا ختم می‌شود، به سمت غرب دره هارود، اما در دره اردن تمام می‌شود. و اینجا یک شهر بزرگ وجود دارد. ما این تصویر را برای تصویرسازی‌مان از بیت شان دیده‌ایم. و دوباره، وقتی فلسطینی‌ها جسد شائول و جسد یوناتان را پیدا کردند، آنها را از دیوار معبدشان در بیت شان آویزان کردند.

مردان یابیش گیلاد آن اجساد را نجات دادند و سوزاندند. بیت شان، باز هم، یک شهر بزرگ در عهد عتیق و همچنین در عهد جدید بود. این یکی از شهرهای بزرگ است، احتمالاً ویا، نه ویا، بلکه کارتو ماکسیموس اسکیتوپولیس، نام یونانی-رومی بیت شان.

و اینجا تل است. ببینید چقدر بالای شهر یونانی-رومی بلند است. این بالای تل است، و این یک معبد کنعانی است. است که از اواخر دوره برنز کاوش شده است.

من دکتر جفری هادون و تدریس او در مورد باستان‌شناسی کتاب مقدس هشتم. این جلسه ۵، عرصه جغرافیایی، بخش ۱ است.